



چواد نونایان رودسری؛ انسان های بزرگ، آمدوشدشان با سروصدا نیست، اهل هیاهو نیستند، نمی خواهند خودی نشان بدهند، آمده اند که تأثیری شگرف بگذارند و بروند، می خواهند تاریخ انسانی را متحول کنند و این کار، نه با هیاهو، که با عقلانیت و خردورزی ممکن است. خبر رسید که یکی از آن خردورزان دیرین اهل خراسان، فخر تاریخ نگاری این دیار دیرین، مترجم نامی و کتاب شناس فاضل، استاد قدرت...روشنی زعفرانلو، دارفانی راوداع گفته و به دیدار معبود شتافته است. برای آنان که به تاریخ و هویت می تپد، نام «روشنی زعفرانلو» یادآور پرچم داری فروتن و پاک باخته در این مسیر است، مردی از تبار پاک گردهای شمال خراسان و از اهالی نژاده واصل اسفراین که ریشه در ایل نامی زعفرانلو داشت و بهترین سال های عمر ازشمند خود را در کتابخانه دانشگاه تهران و در مسیر کشف و عرضه ناشناخته ها به علاقه مندان و به ویژه نسل جوان گذراند. او از همکاران استاد گرانمایه، روان شاد ابرج افشار، بود و طبعاً همچون او، دغدغه پاسداشت میراث مکتوب ایران را داشت. نخستین بار که صاحب این قلم، مدیون دانش و فضل مرحوم روشنی زعفرانلو شد، سال ها قبل و هنگام مطالعه کتاب وزین «سه سفرنامه» بود، اثری تصحیح شده آن روان شاد که در سال ۱۳۴۷ خورشیدی، به اهتمام استاد ابرج افشار و مقدمه وزین حسین محبوبی اردکانی، در انتشارات دانشگاه تهران به زیور طبع آراشته شد. در این کتاب بود که با قلم بی تاب و درعین حال روان و وزین استاد روشنی زعفرانلو آشنا شدم و فروتنی وی را در خلال مطالعه مقدمه دوم که در سال ۱۳۵۴ و برای چاپ جدید کتاب به رشته تحریر درآورده بود، شناختم. بعدها دانستم که صاحب آن قلم وزین، طبعی طلایی دارد و شخصیتی درخشان از حیث ادب و دانش، خوبان روزگار، وصف نیکی اش بسیار می گفتند و از مهریانی و همراهی وی با پژوهشگران جوان، حکایت ها نقل می کردند. استاد روشنی زعفرانلو در رشته زبان انگلیسی تحصیل کرده بود و توانایی وی در ترجمه را می توان از هنری که خرج کتاب «سفرنامه خراسان و سیستان»، اثر «چالرز ادوارد بیت» کرد، دریافت. باین حال، توانمندی او فقط به ترجمه یا تصحیح آثار خلاصه نمی شد، او در سندشناسی هم سر پرسودایی داشت که حاصل آن در مطالعاتش بر روی استاد «فرخ خان امین الدوله» هویداست. درگذشت او در ۹۲ سالگی، بی گمان خبری دردناک برای اهل فضل و فرهیختگان خراسان و ایران است.
روحش شاد و روانش قرین آرامش باد.

دبستان دخترانه گوهرشاد و تاریخ ۹۶ ساله آن

مرضیه ترابی؛ تاریخ ساخت مدارس نوین دخترانه در مشهد به سال ۱۲۹۲ خورشیدی باز می گردد، زمانی که روان شاد فروغ آذرخشی «دبستان فروغ» را با مشکلات فراوان راه اندازی کرد. اما در بررسی تاریخ این مدارس، معمولاً به ذکر همین اتفاق مهم بسنده می شود و ما، کمتر درباره دیگر مدارس دخترانه ای که در این شهر پا گرفت صحبت می کنیم. دبستان گوهرشاد، یکی از این مدارس است که تاریخ پرپری دارد و قرار است در این نوشتار مختصر، به آن بپردازیم. این دبستان قدیمی که تا امروز هم نام آن باقی و فعالیت آن برقرار است، در سال ۱۳۰۸ خورشیدی، چیزی حدود ۹۶ سال قبل توسط شخصی به نام آقای علمی و با هدف ایجاد مدرسه پسرانه ساخته شد. نام مدرسه هم در ابتدا «گوهرشاد» نبود و آن را به اسم «دبستان علمیه» می شناختند. محل ابتدایی دبستان در خیابان خسروی نو (اندرزگوی فعلی) و در مجاورت کتابخانه فرهنگ آرزوگر قرار داشت. اما در سال ۱۳۱۶ خورشیدی و به دلایلی که نمی دانیم، مدرسه علمیه به دبستان دخترانه تبدیل شد و اسمش را گذاشتند «گوهرشاد». مدیریت مدرسه بعد از این تغییر، به عهده بانوان گذاشته شد. نخستین بانوی مدیر دبستان گوهرشاد، روان شاد بانو آزادامرد، بود که تنها یک سال، این مسئولیت را برعهده داشت. پس از وی، جمعی از بانوان فرهنگی مشهد این مسئولیت را برعهده گرفتند که از میان قدیمی ترها می توان به نام عصمت وفادوست، شمسى به کیش، شمسى مجیدیانی، شمسى بیك زاده و طوبى مجیدی اشاره کرد. مدرسه گوهرشاد بعدها چند بار جابه جاشد و نهایتاً به کوچه روشنایی در خیابان خسروی نوانتقال یافت. این دبستان از ابتدا شش کلاسه بود، اما به دلیل زیاد بودن جمعیت دانش آموزان، به ناچار از هر ده تحصیلی، چند کلاس ایجاد کرده بودند. در دهه ۱۳۲۰ خورشیدی، دبستان گوهرشاد با وجود کمبود جدی فضای آموزشی، ۶۷۰ دانش آموز داشت که حتی برای روزگار ماهرقم نسبتاً بالایی است. یکی از دلایلی که والدین را برای فرستادن دختران به دبستان گوهرشاد ترغیب می کرد، اهتمام مدرسه به فراگیری هنرهای مورد نیاز دختران در کنار آموزش علوم رسمی بود. دانش آموزان در این مدرسه، در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی، آموزش آشپزی و خیاطی داشتند و حتی برای آن ها سه دستگاه چرخ خیاطی تهیه شده بود. این کار را انجمن خانه و مدرسه یا به قول امروزی ها، انجمن اولیا و مربیان برعهده می گرفت و انصافاً خوب هم از عهده آن بر می آمد. حتی به همت آن ها، در یکی از دوره ها، غذاخوری مناسبی هم در مدرسه دایر شده بود که البته زیاد دوام پیدا نکرد. دبستان گوهرشاد در سال ۱۳۳۵ خورشیدی دچار حریق شدیدی‌شد و بسیاری از اسناد و پرونده های آن در آتش سوخت. این دبستان را باید یکی از قدیمی ترین دبستان های دخترانه فعال در مشهد بدانیم که با وجود جابه جایی مکرر مکان، حیات خود را حفظ کرده است و دست کم چهار نسل از دختران شهر مشهد در آن پرورش یافته اند.



۲۳ شنبه
۱۳۴۳ خورشیدی
۲۳ شهریور ۱۳۴۳

۱۵



تاریخ و هویت



نمایی از میدان ارگ و ساختمان ارگ حکومتی در اوایل قرن ۱۴ خورشیدی

شیرین سیدی، هانیه مشتاق | ساختمان بانک ملی مشهد که حدود هشتاد سال عمر دارد و ۱۶ اسفند ۱۳۸۴ با شماره ۱۴۳۵۹ به ثبت ملی رسیده، روی میدان ارگ ساخته شده است؛ زمینی که به شهرداری مشهد تعلق داشته است و بعدها با پول فروش آن، عمارت فعلی شهرداری را خریده اند. این ماجرا البته در این چند خط خلاصه نمی شود و فرازونشیب های بسیاری را پشت سر گذاشته که سیاهه آن در اسناد موجود در سامانه اسناد تاریخ و توسعه شهری شهرداری مشهد ثبت است. با ما همراه باشید و در چند خط قصه این معامله تاریخی را که منجر به ساخت بنای بانک ملی شد بخوانید.



نمایی از ساختمان بانک ملی در دهه ۵۰ ق ۱۴ خورشیدی

با بالا رفتن درخواست ها، شهردار وقت مشهد باید تصمیم بگیرد که با کدام شخص حقیقی یا حقوقی پای معامله بنشیند. از سیاهه اسناد مشخص است که پس از این درخواست ها شهردار چند جلسه با خریداران گذاشته و یک مزایده دیگر هم برگزار کرده است. در گزارشی که شهردار مشهد از فرایند مزایده میدان ارگ داده، چنین آمده است، «ابتدا ۲۴ مهرماه مزایده برگزار شد و با وجود اینکه آقای بزرگر رقم بیشتری را پیشنهاد داده بود، برای نفع شهرداری مقرر شد یک مزایده دیگری بین بزرگو و آذرخشی برگزار شود. در مزایده جدید، آذرخشی مبلغ نود و دو و نیم ریال را پیشنهاد داده و پذیرفته شده بود. جهت اطمینان از معامله از آذرخشی خواسته بودند ظرف پنج روز تضمینی معتبر برای پرداخت ارائه کند اما تا دو هفته بعد هم خبری از این تضمین نشد.» آذرخشی هم در نامه ای که اول آذرماه به شهردار مشهد می نویسد، ضمن اشاره به بیماری خود و تقارن بازه اعلام شده با ایام ماه رمضان که ساعات کاری بازار تغییر کرده است، فرصت را برای تهیه این وجه ناکافی می داند و درخواست مهلت می کند، درخواستی که البته مورد موافقت قرار نمی گیرد. به این ترتیب از بانک ملی که تنها پیشنهاد دهنده باقی مانده بود، خواسته می شود مدت انقضای پیشنهاد خود را تمدید کند. در نهایت اراضی میدان ارگ با همان قیمت واحد متری ۸۱ ریال به بانک فروخته می شود و تأیید انجام این معامله هم در جلسه هیئت وزیران که ۲۰ آذرماه ۱۳۱۷ خورشیدی برگزار می شود، به تصویب می رسد.

● وقتی پای استاندارد به میان آمد از این پس فرایند اداری مساحی (اندازه گیری

● میدان ارگ از رونق تا رکود ارگ مشهد از اوایل دوره قاجار تغییر ماهیت داد و از قلعه ای نظامی به مرکزی حکومت نشین بدل شد. در کتاب «گزارش مکتب شاپور» که به سال ۱۳۱۳ خورشیدی تهیه شده، در توصیف این میدان آمده است: «در سه قسمت میدان، سه خیابان سواره رو احداث شده، وسط آن مشجر است و اطرافش گل کاری شده است. آلاچیق در میان آن است که محل موزیک چیان بوده و اکنون کافه است. عمارات و دوایر نیز شامل اداره شهرداری، پست و تلگراف خانه، عمارت ارکان حرب، اداره نظمیه و اداره گمرک است.»

کمی پس از این توصیف و نمایش روزگار آبادان میدان ارگ، این محدوده با انتقال هر کدام از این دوایر به مکانی دیگر رونق خود را از دست داد. اما اجازه دهید پیش از آنکه به موضوع تصمیم شهرداری برای فروش میدان ارگ بپردازیم، توصیف «حسین مسعودی»، نوه دومین شهردار مشهد، را که در تابستان ۱۳۲۰ به مشهد سفر کرده بود از میدان ارگ بخوانیم. او می نویسد: «ارگ... رونقش را از دست داده... حالا آن خفگی سابق باغ ملی نصیب ارگ شد [است]. درخت های نامرتب زرد، نشان می دهد که مواظبت چندانی از آن نمی شود و گویا قسمتی از آن را می خواسته اند بانک ملی بسازند ولی هنوز دست به کار نشده اند.»

● بانک ملی، پیروز مزایده میدان ارگ آن دوران، میدان ارگ جزو املاک شهرداری مشهد بوده و محمد علی روشن، شهردار مشهد (طی سال های ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۹ خورشیدی)، آگهی فروش آن را مهر ۱۳۱۷ خورشیدی در چند نوبت منتشر می کند. در این آگهی چنین آمده است: «زمین محوطه باغ ارگ شامل اراضی قابل استفاده پس از وضع پیاده و اطراف میدان و نهر مجاور آن، معادل ۱۲ هزار و ۲۲۸ هزار و ۲۲۸ مترمربع است و اگر نهرهای مجاور اراضی هم ضمیمه زمین شود، به مساحت آن افزوده خواهد شد. این زمین به صورت یکجا و با ارزش متری هشتاد ریال به صورت نقد به فروش می رسد. مقرر بود مزایده ۲۴ مهرماه (اشتیها در آگهی ۲۱ قید شده بود که بعداً اصلاح شد) برگزار شود اما در نهایت مزایده حضوری ۳۰ مهر برگزار شد.»

پس از انتشار این آگهی، در ۱۶ مهرماه ۱۳۱۷ خورشیدی، بانک ملی ایران (شعبه مشهد) آمادگی خود را برای شرکت در مزایده این زمین با قیمت متری ۸۱ ریال اعلام و دو شخص حقیقی هم برای حضور در این مزایده اعلام آمادگی می کنند: نخستینشان «آذرخشی»، مدیر نگاه راهور و شرکت سفال، است که روز ۲۰ مهرماه اعلام آمادگی کرده و در اعلانی هم آورده که حاضر است زمین های ارگ را به قرار متری ۸۵،۵ ریال بخرد و هم زمان یک وثیقه بیست هزار ریالی هم برای شهرداری مشهد ارسال می کند. دومین نفر «جعفر بزرگو» است که او نیز با ارسال وثیقه، اعلام آمادگی می کند و قیمت زمین ها را بالاتر می برد و می گوید که حاضر است برای میدان ارگ، به قرار متری ۹۲ ریال وجه نقد پرداخت کند.

۲۸ مهرماه همین سال اما بانک ملی اعلام می کند با همین مبلغ ۹۲ ریال حاضر است پای معامله بیاید و آماده است که تا ۲۰ آبان ماه قیمت میدان را به صورت کامل پرداخت کند اما بنا به ضوابط اداری خود حاضر به شرکت در مزایده به صورت حضوری نیست.

